



یکشنبه ۱۴ جنوری ۲۰۲۴

انارگل خوستی

در حیرتم از مرام این مردم پست

این دو برادر جوړه برخوردار برای دوام تبلیغات شان یک لحظه را نمی خواهند از دست بدهند و آنچنان مصروف جفنگ گفتن هستند که یکی از این جوړه برخوردار ها در قسمت نظریات به تاریخ دهم جنوری سه مرتبه سفسطه گویی نموده است و هر دو برادر جوړه برخوردار به تاریخ یازدهم جنوری پی در پی روی کاغذ را سیاه نموده اند، و مانند همیشه فقط می خواهند به هر قیمتی که شده، الله و بلا را در گردن ملا بیاندازند و از اصل و ریشه حوادث که توسط خائنین و وطنفروشان حزب خلق - پرچم که عبارت از همان کودتای هفتم ثور سال ۱۳۵۷ باشد، که تهداب خون ریزی و جنایت و خیانت را در وطن گذاشتند و هنگامیکه به مقاومت مردم سلحشور و آزادمش آن مرز و بوم مواجه شدند و سقوط شان حتمی بود، دست به دامان بادران روسی دراز نمودند.

این پرازیت های مدهش که از زمان تأسیس حزب منحوس شان توسط شوروی، آرزوی داخل نمودن افغانستان عزیز را در جمله اعمار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی داشتند. اما این از خدا بیخبران که با ودکای روسی مست بودند، نمی دانستند که افغانستان هیچگاهی اعمار هیچ کشوری نمی شود و فرزندان دلیر و باشهامت این کشور، شوروی و مزدوران وی را با شکست دادن عام و تام، چنان خوار و ذلیل ساختند که سبب فروپاشی به گفته پرچمی گگ های بی غیرت "سرزمین شورا ها" گردید. به همین دلیل است که از بربادی آرزو های شان که همانا شامل شدن افغانستان در جغرافیای شوروی بود، تا حال سرسام و دیوانه مانده اند. طور مثال در این جا از یک قسمت نوشته یکی از برادران جوړه برخوردار نقل قول می کنم، جفنگ گفتن وی را ملاحظه بفرمائید:

« توصیه به کسانی که در رابطه با تاریخ کشور، این همه قربانی های مردم ما را بدون درک لازم و درست از مراحل مختلف تاریخی و بدون در نظر داشت، توازن قوا و مناسبات بین قدرت های بزرگ رقیب جهانی، و نقش مسلط آنها، همیشه و یکنواخت از تاریخ چندین هزارساله کشور نام می

برند، باید این فرموده "وایسیکر" را هم فراموش نکنند که می گفته است: "ما در گذشته زنده گی نمی کنیم." بارها آنچه تکرار شده است، که گویا این کشور "کوهستانی" به قول بعضی از ژورنالیستان خارجی "گورستان امپراتوری ها" و "گورستان قدرت های بزرگ" شناخته شده است، یعنی چه؟ این گورستان به نفع کی و به ضرر کی بوده است؟ این نقطه کره خاکی را برای قدرت های "بزرگ متخاصم" از نگاه "جیوپولیتیک"، مهم خوانده اند. این "مهم بودن" بر مردم کشور ما، چه حالتی را مسلط ساخته است، که نخست باید تحلیل و ارزیابی گردد، نه اینکه احساس احتمالی "افتخار" و "غرور" بی معنی را در بازار تبلیغاتی، لیلام کنند. یکبار، به هوش آیند که سه "جنگ"، "افغان – انگلیس" را با وقایع بعد از جنگ دوم "جهانی" نمی توانند مقایسه کنند. درینجا، مستخدمان "جنگ های نیابتی"، که خود، "وطن فروشان" اصلی را که، در تحت نام "جهادی" و یا "آزادخواه" و غیره زیر اوراق، توافقات "استخدامی" سری، پوشیده اند، اعمال جنایتبار آنانرا، در تحت اداره و کنترل مراکز قدرت های بزرگ قرار داده اند.»

دیده می شود که این شخص مالیخولیایی گاهی از ده گز می کند و گاهی هم از درختان، خود را به در و دیوار می زند، فقط برای اینکه به هدفش برسد، که همانا تبرئه نمودن حزب نادموکراتیک خلق و پرچم است.

در همین مضمون از شروع تا آخر حتی یکمرتبه هم نمی گوید که خلقی ها و پرچمی ها، مزدوران شوروی با کودتای بدفرجام و منحوس شان انواع و اقسام جنایات را بر ملت روا داشتند. این تفاله های حزب نادموکراتیک مقاومت ملت سرفراز که زیاده از دو ملیون شهید دادند، را به "افتخار" و "غرور" بی معنی تشبیه نموده و در بازار تبلیغاتی لیلام می کند.

همچنان مبارزان راه آزادی وطن را به مستخدمین "جنگ های نیابتی"، و "وطن فروشان"..... شاید اکثر نویسندگان مضامین این دو تفاله را نخوانند و محتوای تبلیغاتی آن از نظر آنها پنهان مانده باشد، در غیر آن هر افغان که در این چهل و شش سال از حالت زار ملت، از ریختن خون ملیون ها هموطن و دربدری های آن رنج برده باشد، نمی تواند خاموش بنشیند.

هر دو برادر چه در قسمت نظریات و چه در صفحه اصلی هر روز به بسیار چشم سفیدی و دیده درایی جفنگ های شان را نثار بقیه می کنند. مثلاً یکی از این تفاله ها در قسمت نظریات در یک روز سه مرتبه بدین ترتیب سفسطه سرائی نموده است:

اول به جواب یک شخص می گوید: که چیز های را که می نویسد به اجازه کس ضرورت ندارد، چنان وانمود می کند که یا وبسایت مال شخصی خود شان است و یا اینکه یک خانه بی دروازه می باشد و در اختیار تفاله های حزبی.

در باره امنیت از طالبان سوال می کند، بدون اینکه سر در گریبان خود نماید که ناامنی و خونریزی از تاریخ هفتم ثور سال ۱۳۵۷ در اثر کودتای بدفرجام شما حزبی گگ های خائن آغاز گردید و از همان تاریخ وطن به طرف بربادی و بدبختی سوق داده شد.

از این جاسوسان کثیف که تا خرخره غرق در منجلاب خودفروشی و جاسوسی هستند، نمی توان توقع داشت که آدم شوند و دست از این کثافت کاری های شان بردارند. خداوند تخم شان را از روی زمین بردارد.

استقلال- خپلواکی: اغلاط املائی و انشائی نقل قول به حال خود گذاشته شده است.